أعوذ باللَه من الشیطان الرجیم

بسم اللَه الرحمن الرحیم

در سال گذشته صحبت در مورد استطاعت، تمام شد و مسأله تخليه سرب ماند كه آن هم مطلب قابل بحثي ندارد و بعضي از جزئيات باقي ماند که در اینجا يك اشاره اي می كنيم و آن روايات مختلفي است براي كساني كه به آنها پيشنهاد حج مي شود.

اگر نظر رفقا باشد در سال گذشته عرض كرديم كه كيفيت بردن حج و دعوت به حج فرق ميكند، و اين مسئله به دو صورت ممكن است باشد:

 مسئله اول اینکه به شخص بذل مال شود يعني مال را بياورد و به آن شخص بدهد و تمليك كند براي حج و شخص مالك بشود در اينجا رواياتي داريم كه قضاي حج به معناي اتيان مكرر، واجب نيست، آن حج را انجام داده و وجوبش در اينجا ثابت شده و شرطش كه استطاعت است همان بذل زاد وراحله در اين جا محقق است.

 قسم دوم از روايات كه در آن جا بود (البته در اين جا هم داريم كه نمي تواند برگرداند و حرام است و نمي تواند رد كند و اختيار تملك و عدم تملك با او نيست وقتي كه شخص بذل زاد و راحله ميكند، واجب است كه او به حج برود و استطاعت به اين وسيله حاصل شده) قسم دوم اين است كه مال را تمليك نمي‌كند بلکه او را با خود مي برند، يعني مي گويند شما هم با ما بيا، ما كه داريم مي رويم، فرض كنيد كه ماشين ما يك صندلي خالي دارد شما هم بيا سوار شو، یا فرض كنيد كاروان ما يك اسب يا شتر خالي دارد، بيا سوار آن بشو، ما داريم مي رويم می توانیم يك بليط طياره هم براي شما بگيريم شما هم همراه ما باش يك جايي هم براي شما در كاروان مي گيريم و به اين كيفيت شخص را به حج مي برند نه اين كه بذل كنند در اینجا حضرت مي فرمايد: (فليحج اذ استطاع) اين جا را سال گذشته عرض کردیم که چه فرقی است؟ در هر دو صورت مطلب يكي است منتها در اولي بذل مال شده است به عنوان تمليك و در دومي نشده فقط گفتند بيا به حج برويم.

 سال گذشته اگر نظر رفقايي كه بودند باشد، علتش را عرض كردم و گفتم: اولاً مرحوم شیخ حرّ را در اين جا قائل به استحباب شدند، روايت از حمید بن زياد است كه محل اختلاف و بحث است عن ابن سماعه عن عدّﻯ من اصحابنا عن أبان بن عثمان عن فضل بن عبدالملک عن ابی عبداللَه علیه السلام قال: سألت عن رجل لم يكن له مال یعنی فقير است و مستطيع نيست، فحج به اناس من اصحابه نمي گوید بذل له زاد و راحله، فحج به اناس من اصحابه أقضي حجه الاسلام قال: نعم حجه الاسلام را انجام داده، و حجش درست است چه فرق مي كند بين بذل زاد و راحله و بين اين که بدون بذل زاد و راحله فحجّ به؟ همراه با او بدون اینکه پول بدهند، يك ريال هم پول نداده ولي گفته هر چي بخواهي مي خريم، پول دستت نمي دهيم، دستت بدهيم خرج مي كني و به اين و آن مي دهي، هر جا ما غذا بخوريم به تو هم مي دهیم، هر جا سوار بشویم تو را هم مي بريم حضرت مي فرمايد: نعم، اين حجش درست است چون بردند و مستطیع شده فان أيسر بعد ذلك ، صحبت در اين است اين قضيه اگر نظر رفقا باشد در مورد مخالف هم اين قضيه آمد كه مخالف وقتي مستبصر بشود يجب عليه القضا در بعضي از روايات داريم يجب عليه القضا در بعضي ديگر داريم كه لازم نيست، كه ما گفتيم آنجایی لازم نيست که شخص از روي غفلت و از روي عدم عناد باشد فرق مي كند با آن جايي كه معانداً و از روي غرض باشد آن جا را حضرت مي فرمايد: يجب عليه القضا وقتي كه استبصر كه در مورد ناصب و مخالف اين مسئله بود، یجب عليه، ولي در موردي كه اين شخص از روي غفلت آمده انجام داده اين را حضرت مي فرمايد: ان يقضي احب اليّ که حكم بر استحباب در اين جا شده است موارد مختلف است، فرق مي كند كه اين حج با چه نيتي انجام شده و با چه مرام و روشي انجام شده .

 در اين جا حضرت مي فرمايد: حجش درست است چون او را به حج بردند و استطاعت برايش حاصل شده است بعد حضرت در اين جا مي فرمايد فان أيسر بعد ذلك اگر بعدا" اين شخص استطاعت پيدا كرد و به يسر رسيد فعليه ان يحجّ خيلي عجيب است یعنی بايد دوباره انجام دهد آيا اين را حمل بر استحباب كنيم؟ قلت هل تکون حجّته تلك تامّه او ناقصه؟ شما كه می گوئید عليه ان يحج اين ايراد كجاست؟ آيا اين حجي كه انجام داد ناقص بود؟ اگر اين طور است پس چطور مي شود أقضي حجه الاسلام؟ اگر حجش ناقص بود ديگر حجه الاسلام را انجام نداده درحالی که حضرت مي فرمايد: قضي حجه الاسلام قال: نعم يعني (لله علي الناس حج البيت) از او متمشّي شده است، و حجه الاسلام است و یحجّ به اناس، الان متمشي شده، لذا حضرت مي فرمايد: نعم، ولیست بناقصه و إن أیسر فلیحجّ اگر در اين جا به يسر برسد بايد حج انجام دهد مگر دو تا حجه الاسلام داريم؟ خوب اين را بايد چه کرد؟ ما يك حجه الاسلام بيشتر نداريم، يك حجه الاسلام است و آن در تمام عمر فقط يك مرتبه است امام(علیه السلام) هم امضا كردند حجي را كه يحج به اناس، پس سقطت عنه حجه الاسلام، وقتي حجه الاسلام از او ساقط شد اين حج دوم مي شود حج مستحب، بايد اين طور بگوييم اگر حج، حج مستحب است چرا حضرت گفتند: فعليه ان يحج یعنی باید برود انجام بدهد اين عليه براي چيست؟ اين قضيه است كه فقها در آن گير كرده اند، در تقريرات نگاه كنيد اقول حمل الشیخ، الامر بالحج هنا علي الاستحباب، شيخ طوسي در اينجا آمده حمل بر استحباب كرده حمل بر استحباب اشكال ندارد ولي عبارت امام عليه السلام كه مي فرمايد: عليه ان يحج و بعد هم دوباره تكرار مي كند: و إن أيسر فليحج، با استحباب نمي سازد و جور در نمي آید.

 شما خودتان را جاي شخص بگذاريد و پيش امام صادق(علیه السلام) برويد و قضيه را مطرح كنيد كه ما پول نداشتيم و رفقایی، ما را بردند مكه، آيا حجه الاسلام بوده يا نه؟ حضرت مي فرمايد: بوده حجه الاسلام دو تا كه نداريم!! حضرت مي فرمايد اگر پولدار شدي بايد بروي مکّه، نمي فرمايد: يستحب أن تعيد، استحباب در اینجا نیست یا در مورد مخالف نمي فرمايد: أحبّ اليّ ان تعيد! أحبّ نداريم يا إنّي أحبّ أن تعيد ندارد!! يا اين كه ألاحسن ان تعيد يا أن تقضي أحبّ اليّ ندارد حضرت مي فرمايد عليك ان تحج يعني بر تو است و واجب است و این با مستحب جور در نمي آید مگر ما چند تا حجه الاسلام داريم؟!

تلمیذ: می شود گفت حضرت در واقع می خواهند نوع حج را بفرمایند؟

استاد: فقط یک حج بر ذمه شخص است در تمام طول عمر و آن عبارت است از حجه الاسلام.

تلمیذ: منظورم این است که مانند همان حجی که صبی انجام می دهد.

استاد: حج صبی حجه الاسلام به حساب نمی آید، حج صبی ممضی و صحيح است، در حال صباوت، ولی حجه الاسلام به حساب نمي آید مانند نماز صبي، که صحيح است و ممضی و مأجور است ولي همين صبي اگر بعد به بلوغ برسد نمازش، نماز واجب مي شود حالا اگر شما فرض كنيد صبي را در حال شيرخوارگي حج برديد آيا حج از او ساقط است؟

 تلميذ: وقتی صبي نماز صبح مي خواند، شما می گویید نماز مستحبی می خواند؟ نماز صبح است، نافله كه نيست، لذا حضرت خواستند فرق بين نافله و واجب را بفرمایند؟

استاد: نماز دارد می خواند، نماز مستحبی نمازی است كه در شرع متّصف به استحباب شده است نافله صبح متّصف به استحباب است سَواء صَدَرَ مِن البالغ او صَدَرَ مِن الصبي، اگر صبي نافله صبح را بخواند نمی گویند نماز واجب خواند مي گویند نماز مستحب خواند، بالغ هم اگر نافله صبح بخواند مي گویند نماز مستحب خواند اگر صبي نافله خواند و بعد نماز واجب را بخواند مي گویند نماز مستحب خواند یا نماز واجب خواند؟ چه نماز واجبي را خوانده كه مي تواند نخواند؟ و اين چه جور نمازي است كه هم واجب است و هم مي تواند نخواند؟ ولي بر بالغ واجب است و بايد بخواند؟ اگر صبي نماز صبح خواند شما مي‌گویید نماز مستحب خواند؟ بلي صبي نماز واجبی را که می‌خواند، يك وصف و نعت ديگري در اين جا می آید و آن اينكه نماز واجب بر او الزامي نبوده، اتيانش بر او مستحب بوده نه اين كه خود نماز مستحب بوده خود نماز واجب است اتيانش براي اين مستحب است نماز مستحب يك چيزي است و نماز واجب چيز ديگري است اگر نماز مستحب را صبي بخواند مي گوییم نماز مستحب را مستحباً انجام داده نمازي كه مستحب بوده آمده به زعم استحباب اين را انجام داده يعني فرض كنيد كه بر او نه الزام بوده نه هيچي! خدا هم به او ثواب داده نماز صبح را بخواند مي گویيم نماز واجب را به استحباب انجام داده همان نماز صبح را با حدود وصغورش و ميزان ثوابش، چون نماز واجب، ميزان ثواب و اجرش بيشتر از نماز نافله است يعني خدا براي نماز نافله كه صبي خوانده یک مقدار اجر داده، فرض كنيد كه مثلا دو عدد و براي نماز صبح كه واجب بوده چهار تا داده، ولي اين چهار تا دادن واجب نبوده مستحب بوده است اين منظور بوده است

 حالا حجّي كه انجام مي دهد درست است ولي آن حجه الاسلام نيست حجي كه در ده سالگي انجام مي‌دهد درست است و باطل هم نيست و ثواب حج واجب را كه خدا براي بزرگترها در نظر مي گيرد همان را به اين مي دهد ولي اين كفايت می کند كه حج را انجام ندهد؟ نه! دوباره اين حج را به عنوان حجه الاسلام انجام دهد.

 اشكال در اين جا است وقتي كسي حج را حجه الاسلام انجام مي دهد و امام صادق عليه السلام امضا مي كنند كه حج، حجه الاسلام است پس بنابراین مصلحت ملزمه براي حج ساقط شد، لذا مصلحت ديگري در اين جا نيست، چرا حضرت مي فرمايد: فعليه أن يحج ؟ اينجا است که شخصي مثل شيخ طوسي مجبور شده است كه بگويد حج دوم مستحب است چون حجه الاسلام را ديگر انجام داده است اگر نگوید، چه بگوید؟ چاره اي ندارد!

 بعضي ديگر كه نتوانستند این را حمل بر استحباب كنند، و گفتند كه جور در نمي آيد با این عليه آمدند و حمل کردند و یمکن الحمل علی الوجوب الكفايي اين خيلي عالي است حمل بر وجوب كفايي شده است و عليه أن يحج يعني به نحو كفايي برود شاعر گفت: چون قافيه تنگ آيد، شاعر به جفنگ آيد و علي كون الحج الاول علی وجه النيابه حج اول چیست؟ خوب است آدم کمی فكر كند حالا خود شیخ طوسی این حرف را نزده، شیخ حر است که حرف می زند حج به اناس یعنی او را بردند، و در بالا هم می گوید حجه الاسلام است خوب چشم باز کن ببین روایت چه گفته است؟! حالا رسم این شده است دیگر!! یک چیز بپرانیم و بگوییم و خودمان را از مخمصه در بیاوریم حالا هر چه می خواهد باشد حضرت مي فرمايد حجه الاسلام انجام داده است شما چه مي‌گوييد حج كفايي است يا نیابتی؟ حج نيابتي که حجه الاسلام نيست، مربوط به فردي است كه از طرف او انجام مي شود علي اي حال اين يك مسئله است.

اللَهم صلی علی محمد و آل محمد